

چکیده

هدف آموزش ایجاد یادگیری در میان یادگیرندگان است و آنچه در یادگیری اهمیت دارد، تغییر نسبتاً پایدار نام دارد که تا اندازه‌ی زیادی نتیجه‌ی فعالیت‌های فردی است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بزرگسالان توانایی یادگیری را تا سنین بالا حفظ می‌کنند و می‌توانند از قانون تمرین و قیاس در یادگیری بهره ببرند. دو عامل نیاز و هدف از عوامل مهم انگیزه‌اند که بیش‌تر تحت‌تأثیر تجربیات گذشته و حال بزرگسالان قرار می‌گیرند. انتخاب اهداف واقعی و دست‌یافتنی به‌وسیله‌ی آموزش‌یار در این مسیر انگیزه‌ی بزرگسالان را برای یادگیری افزایش می‌دهد.

بزرگسالان از برخورد جدی با دنیای کنونی هراس دارند و این امر باعث کاهش اعتمادبه‌نفس آنان می‌شود؛ بنابراین، ایجاد تصور مثبت در یادگیری بزرگسالان نقش مهمی دارد. مربی می‌تواند موقعیت یادگیری را طوری فراهم آورد که موجب ایجاد تعادل روانی، و افزایش دقت و علاقه به یادگیری در بزرگسالان شود و هیجانات مثبت را در آنان تقویت کند.

بزرگسالان به شدت به فرهنگ وابسته‌اند؛ بر این اساس، آشنایی مربی آنان با مسائل فرهنگی، شیوه‌های ارتباطی مردم منطقه، هم‌دلی و هم‌زبانی با بزرگسالان برای یادگیری بیش‌تر ضرورت دارد. مربی بزرگسال باید به شخصیت و نیازهای اساسی بزرگسالان توجه کند، دنیای فراگیرندگان را تغییر دهد، انعطاف‌پذیر باشد و روابط عاطفی گرم و مناسبی با بزرگسالان برقرار کند.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، تمرین، قیاس، نیاز، هدف، تغییر، انگیزه، تصور مثبت، فرهنگ، زبان بومی.

بزرگسالان چگونه یاد می‌گیرند و در یادگیری توفیق می‌یابند؟

کریم عباسی اول

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

مقدمه

در آموزش بزرگسالان میل به یادگیری بیش از خود یادگیری اهمیت دارد؛ زیرا معمولاً بزرگسالان اجبار به یادگیری یا حضور در کلاس را کم‌تر احساس می‌کنند. تمایل به یادگیری در بزرگسالان، ممکن است از یک علاقه‌ی شدید، ولو به‌طور موقت، به برخی از مسائل و موضوعات یا احساس نیاز به بعضی از دانش‌ها و مهارت‌ها برای حل یک مشکل ناشی شده باشد. معلمان، رهبران یا افراد مورد احترام بزرگسالان نیز ممکن است چنین علاقه‌ای را ایجاد کنند و تا این انگیزه و علاقه نباشد، بزرگسالان کم‌تر حاضر به یادگیری می‌شوند. بدیهی است که یادگیری تا اندازه‌ی زیادی نتیجه‌ی فعالیت‌های فردی است اما آن‌چه از دست معلم ساخته است و امر یادگیری را تسهیل می‌کند، فراهم کردن عوامل و زمینه‌ها به‌منظور تشویق فراگیرنده به یادگیری است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۲).

از دیدگاه روان‌شناسان، اصول کلی روان‌شناسی تربیتی و تئوری‌های یادگیری، در مجموع کاربردهای مثبت و سازنده‌ای در پیشرفت یادگیری بزرگسالان دارند. برخی قوانین در آموزش بزرگسالان، بیش‌تر از دیگران قابل استفاده‌اند؛ مثلاً ثابت شده است که قانون تمرین و تکرار، و تکیه بر معلومات اکتسابی پیشین بزرگسالان نتیجه‌ی بهتری به‌بار می‌آورد؛ زیرا فرصت تمرین و تکرار، و به‌کار بستن معلومات برای بزرگسالان بیش‌تر فراهم است. بزرگسالان می‌توانند از قانون‌های قیاس و چند پاسخی نیز استفاده کنند؛ زیرا در قانون قیاس، فرد بزرگسال از تجربه‌های خود کمک می‌گیرد و بر این اساس، معلم وظیفه دارد فرصت‌هایی را برای او فراهم سازد تا هم‌سانی بین موقعیت‌های جدید و قدیم را بازشناسد. در قانون چندپاسخی نیز بزرگسالان می‌توانند از راه آزمایش و

خطا عمل کنند؛ یعنی، به یک محرک چند پاسخ بدهند تا پاسخ رضایت‌بخش به دست آید (پارسا، ۱۳۷۴).

تعریف و مفهوم یادگیری

بین‌روان‌شناسان بر سر تبیین یادگیری مشاجرات زیادی وجود داشته است. در برخی رویکردها، یادگیری را تشکیل تداعی‌های شرطی می‌دانند؛ درحالی‌که رویکردهای دیگر بر ماهیت‌شناختی فرایند یادگیری تأکید دارند. جریان یادگیری امری دائمی است و متناسب با افراد مختلف فرق می‌کند. در جریان یادگیری، کل شخصیت فرد دخالت دارد؛ یعنی، جنبه‌های بدنی، خصوصیات روانی، هدف‌ها و تمایلات فرد و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با هم، که کل شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد، تأثیر دارند. معروف‌ترین تعریف ارائه‌شده از یادگیری، به‌وسیله‌ی **کیمبل** پیشنهاد شده است: کیمبل یادگیری را «تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه‌ی تمرین تقویت‌شده رخ می‌دهد»، تعریف کرده است (عباسی اول، ۱۳۸۶).

پیاژه در خصوص اهمیت تجربه، بین یادگیری به معنای محدود و یادگیری به معنای وسیع تمایز قائل می‌شود؛ یادگیری به معنای محدود، آن نوع یادگیری است که نتیجه‌ی آن براساس تجربه‌ی به‌دست آمده باشد و یادگیری به معنای وسیع، از یک پارچگی یادگیری بر معنای محدود و فرایند تعادل‌جویی تشکیل می‌شود (همان منبع).

ضرورت یادگیری بزرگسالان

یک فرد بزرگسال برای این که بتواند به حیات خود ادامه دهد، باید نیازهای گوناگون خود، مانند نیاز به غذا، آب، تعلق، احترام، عزت‌نفس، خودشکوفایی و فعالیت جنسی، را برطرف کند و برای این منظور باید با محیط خود به کنش متقابل بپردازد.

فرایند یادگیری به بزرگسالان کمک می‌کند تا خود را با محیط در حال تغییر سازگار کنند. یک فرد بزرگسال برای آن که بتواند در شرایط محیطی گوناگون به زندگی خود ادامه دهد، باید بیاموزد که کدام اشیای محیطی مثبت‌اند (به بقا کمک می‌کنند)، کدام منفی هستند (برای بقا مضرند)، و کدام بی‌اثرند (ربطی به بقا ندارند). علاوه بر این‌ها وی باید یاد بگیرد که چگونه رفتار کند تا محرک‌های مثبت را به دست آورد و از محرک‌های منفی دوری کند.

ظرفیت یادگیری بزرگسالان

زمانی فرض بر این

بود که علاقه به

یادگیری و

توانایی آن

تا سنین

معین

در انسان

وجود دارد

و از آن به

بعد، یادگیری

کاری بسیار دشوار

است، اما امروز بحث در

این نیست که بزرگسالان هم می‌توانند همانند کودکان و جوانان یاد بگیرند و کاهش توانایی یادگیری، از نظرگاه علمی آن چنان ناچیز است که به‌راحتی می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد؛ مثلاً گزارش شده است که در تعدادی از افراد، توانایی یادگیری مهارت‌های ریاضیات جدید با افزایش سن، کاهش می‌یابد اما تحقیقات انجام‌یافته روی هوش بزرگسالان نشان می‌دهد که این‌گونه کاهش‌ها به سرعت پاسخ‌گویی و استفاده‌ی کم و نامنظم از این مهارت‌ها بستگی دارد. یکی از امیدوارکننده‌ترین نتایج، مربوط به پژوهش‌هایی است که **وارنر شه** و همکارانش (۱۹۷۴) در این

بزرگسالان
به شدت به فرهنگ
وابسته‌اند؛ براین اساس، آشنایی
مربی آنان با مسائل فرهنگی،
شیوه‌های ارتباطی مردم منطقه،
هم‌دلی و هم‌زبانی با بزرگسالان
برای یادگیری بیش‌تر ضرورت
دارد

هیجان و یادگیری بزرگسالان

هیجان یک احساس فردی است؛ یعنی ممکن است که یک موقعیت، فردی را کاملاً خشمگین کند یا بترساند اما در مورد فرد دیگر هیچ واکنشی را به وجود نیاورد؛ مثلاً اضطراب یادگیری در حضور دیگران ممکن است به خشم و پرخاش گری یادگیرنده منتهی شود و با ایجاد عدم تعادل روانی، مانع یادگیری فرد شود اما در برخی موارد هم، چنین حالتی دقت و علاقه به یادگیری را در فرد افزایش می دهد و در یادگیری نقشی سازنده ایفا می کند. به هر حال، عکس العمل هایی که اساس آن ها هیجانات روحی است و تأثیرات مثبت یا منفی در یادگیری بزرگسالان می گذارند، در بیش تر مواقع با موفقیت های آموزشی گذشته ارتباط دارند؛ بنابراین، آموزش یار می تواند با تغییر در موقعیت آموزش و کاهش اثر اضطراب های قبلی در آن ها، وضع آموزش را بهبود بخشد. به این معنا که بزرگسالان را با محرک های خوشایند مواجه سازد و عوامل ناخوشایند را در آنان از بین ببرد.

نقش عوامل فرهنگی در یادگیری بزرگسالان

فرهنگ یک جامعه ویژگی های افراد آن جامعه را متجلی می سازد و الگویی است که افراد آن جامعه باید خود را به قالب آن در آورند. استعدادها و توانایی های فرد برای تکامل جسمی و روحی، پیوسته به وسیله ی نیروهای مؤثر محیط و ارزش های فرهنگی حاکم بر جامعه طرح ریزی می شوند و شکل می یابند. حتی در افرادی که از نظر وارثی یکسان اند (دوقلوهای هم سان)، این اختلاف ارزش ها و الگوهای فرهنگی سبب ایجاد خصایص و صفات متنوع می شود (گنجی و همکاران، ۱۳۷۸).

بزرگسالان بی سواد به فرهنگی که

تمایل بیش تری دارند.

از میان عوامل مؤثر بر انگیزه، دو عامل **نیاز و رسیدن به هدف** در برنامه های آموزشی بزرگسالان به مطالعه ی جداگانه احتیاج دارند، این عوامل بیش تر تحت تأثیر تجربیات قبلی و موقعیت های اجتماعی-اقتصادی گذشته و حال بزرگسالان قرار می گیرند. بزرگسالان بی سواد به احتمال زیاد حال نگرند نه آینده نگر؛ بنابراین، انگیزه ی ناچیزی برای بهتر کردن زندگی خود دارند. اهداف آنان به توقعات روزمره ی متوسط و گاهی به امید به زنده ماندن خلاصه می شود؛ به همین دلیل، در برنامه ریزی برای بزرگسالان باید هدف های دقیق و واقعی را مورد توجه قرار داد و نیازهای حال آنان را در نظر گرفت. انتخاب اهداف نزدیک و قابل حصول، انگیزه ی بزرگسالان را برای یادگیری افزایش می دهد؛ زیرا موفقیت در کارهای مقطعی و با اهداف واقعی، عاملی است که بزرگسالان را برای ادامه ی کار برمی انگیزد. بزرگسالان به نیازهای فردی خود می اندیشند؛ بنابراین، مسئولیت دارند ارتباط بین نیازهای شخصی یادگیرنده و احتیاجات گروهی را متعادل سازند.

نقش تصور فرد بزرگسال از خود، در یادگیری

گزارش فعالیت آموزش یاران در کلاس ها نشان می دهد که اگر تضاد و تناقضی میان تصور بزرگسالان بی سواد از خود و تصور آموزش یاران از آنان به وجود آید، موجب ایجاد اضطراب و نگرانی در بزرگسالان بی سواد می شود؛ زیرا ثابت شده است که میان تصور فرد از خود و یادگیری، رابطه ای مستقیم وجود دارد. به طوری که یک تصور واقعی از خود، بزرگسالان را به یادگیری، تحمل مشکلات و قبول مسئولیت آموزشی خویش تشویق می کند.

زمینه انجام داده اند. آن ها به این نتیجه رسیده اند که در تمام طول زندگی می توان یاد گرفت. نتایج بالایی که اشخاص مسن در آزمون شه و همکارانش کسب کرده اند، نشان می دهد که آن ها توانایی یادگیری را تا سنین بالا حفظ می کنند (ابراهیم زاده، ۱۳۷۲).

آن چه امروز روان شناسان ابراز می دارند این است که ظرفیت و توان یادگیری با افزایش سن، کاهش بسیار ناچیزی پیدا می کند اما سرعت یادگیری بر اثر کاهش قوای فیزیکی به طور محسوس کاهش می یابد.

برخی عوامل مانند تردید در صحت و سقم کار، محافظه کاری، کمبود علاقه، مشکلات مربوط به خانواده، شغل و اشتغالات ذهنی باعث

جلوگیری از یادگیری

بزرگسالان

می شوند؛ مثلاً

بزرگسالانی که

در یک موقعیت

محدود قرار

دارند و کارهای

روزانه شان تکراری

و انعطاف ناپذیر است،

به ندرت به تفکر و حل

مسائل جدید نیاز پیدا می کنند و در نتیجه کم تر به یادگیری علاقه مندند.

نقش انگیزه در یادگیری بزرگسالان

همه ی بزرگسالان به وسیله ی انگیزه های درونی، که گاهی همه با هم در تضادند، تحت تأثیر قرار می گیرند. هر اندازه فرد آگاهی بیش تری داشته باشد، به همان اندازه خواهان تحرک، عقاید جدید، استقلال، تغییر و مسئولیت پذیری است. افراد بی سواد یا کم سواد به امنیت، ثبات، میراث گذشته و وابستگی فردی



یک

فرد بزرگسال برای

آن که بتواند در شرایط محیطی
گوناگون به زندگی خود ادامه دهد،
باید بیاموزد که کدام اشیای محیطی
مثبت اند (به بقا کمک می کنند)،
کدام منفی هستند (برای بقا
مضرند)، و کدام بی اثرند
(ربطی به بقا ندارند)

زاینده‌ی شرایط اقتصادی- اجتماعی آنان است و باعث ایجاد نظام زندگی و فکری و حتی زبان خاصی برای آنان می‌شود، به شدت وابسته و پای‌بندند. آهنگ صدا، حالت چهره و نحوه‌ی حرکات و رفتار بزرگسالان و مربیان آنان ممکن است تعبیرات متفاوتی در ذهن هریک از آن‌ها ایجاد کند و به مخالفت، یأس و بی‌اعتمادی نسبت به هم منجر گردد؛ بنابراین، مربی بزرگسالان باید با مسائل فرهنگی و شیوه‌های ارتباطی مردم منطقه‌ای که در آن تدریس می‌کند، کاملاً آشنا باشد و آن‌ها را به‌طور دقیق رعایت کند. اشکال موجود در برخی آموزش‌یاران، نداشتن شناخت و درک درست از فرهنگ منطقه‌ای است که در آن تدریس می‌کند. او باید راه نفوذ به فرهنگ بسته‌ی آن منطقه را بیابد تا به راحتی بتواند فعالیت‌های آموزشی خود را سامان دهد. حاصل کلام این که معلم بزرگسالان باید از کلمه‌ها و جمله‌هایی استفاده کند که از بار عاطفی و فرهنگی که برای بزرگسالان معنی دار است، برخوردار باشند.

رهنمودهای عملی برای افزایش یادگیری بزرگسالان

آموزش‌یار بزرگسالان باید:

۱. از مقایسه کردن بزرگسالان با یکدیگر و با کودکان بپرهیزد.
۲. توان‌مندی‌های بزرگسالان، علایق و نگرش‌های آنان را در نظر بگیرد.
۳. روابط عاطفی گرم و مناسبی با بزرگسالان برقرار کند.
۴. شخصیت بزرگسالان و نیازهای اساسی آنان را مورد توجه قرار دهد.
۵. مهارت‌های اجتماعی بزرگسالان را تقویت کند.

پیشنهادهای عملی

معلم بزرگسال لازم است:

۱. بزرگسال را بشناسد و بداند که چه چیز،

- چه وقت و چگونه می‌خواهد به وی بیاموزد.
۲. دنیای فراگیرنده را متناسب با دنیای اطلاعات تغییر دهد.
۳. فرصت‌های یادگیری را فراهم کند و فرایند یادگیری را تغییر دهد.
۴. زمینه‌ی تجربه‌ی فردی تک‌تک بزرگسالان را فراهم کند.
۵. فرصت‌اندیشیدن در زمینه‌ی کارهای عملی را به بزرگسالان بدهد.
۶. بزرگسالان را درگیر کار کرده و توجه آن‌ها را به خود جلب کند.
۷. از شیوه‌های مختلف تدریس استفاده کند و به آموزش جذابیت ببخشد.
۸. در برنامه‌ریزی آموزشی خود، توقعات بزرگسالان را در نظر بگیرد.
۹. انعطاف‌پذیر باشد و خود را بیش از حد در چهارچوب برنامه‌ی کاری قرار ندهد.
۱۰. از مجموعه‌های رایانه‌ای و سی‌دی‌های آموزشی در جهت ارتقای تدریس استفاده کند.

نتیجه‌گیری

تمایل به یادگیری در بزرگسالان از یک علاقه‌ی شدید یا احساس نیاز ناشی می‌شود. بزرگسالان می‌توانند از قانون تمرین، قیاس و چندپاسخی در جهت یادگیری بیش‌تر استفاده کنند. کاهش یادگیری در برخی مهارت‌ها به هوش افراد بستگی ندارد بلکه به سرعت پاسخ‌گویی و استفاده‌ی کم از این مهارت‌ها وابسته است؛ زیرا برخی محققان به این نتیجه رسیده‌اند که در سراسر زندگی می‌توان یاد گرفت.

بزرگسالان از طریق انگیزه‌های درونی یاد می‌گیرند و از میان عوامل مؤثر در انگیزه، دو عامل نیاز و هدف بیش‌تر تحت تأثیر موقعیت‌های اقتصادی- اجتماعی گذشته و حال بزرگسالان قرار می‌گیرند، به همین دلیل، هر برنامه‌ی یادگیری برای بزرگسالان باید با نیازهای حال آنان مرتبط باشد. بزرگسالان از رویارویی با تحولات صنعتی و اجتماعی و

امکان این که نتوانند خود را با آن‌ها سازگار سازند، دچار ناامنی می‌شوند. در چنین حالتی، آنان پنداره‌ی منفی از خود خواهند داشت؛ بنابراین، مربی بزرگسال لازم است اهداف نزدیک، واقعی و دست‌یافتنی برای آن‌ها در نظر بگیرد تا در آنان تصور مثبت ایجاد کند؛ زیرا تصور مثبت باعث یادگیری بیش‌تر و افزایش اعتمادبه‌نفس در بزرگسالان می‌شود.

هیجانات نیز در برخی موارد باعث یادگیری بزرگسالان می‌شوند؛ زیرا دقت و علاقه به یادگیری را در فرد افزایش می‌دهند؛ بر این اساس، مربی بزرگسال می‌تواند با بهبود بخشیدن به وضع آموزشی، هرگونه اضطراب را در بزرگسالان کاهش دهد. عوامل فرهنگی نیز در یادگیری بزرگسالان نقش مهمی ایفا

می‌کنند؛ بنابراین، معلم

بزرگسال باید راه

نفوذ به فرهنگ

بزرگسالان

را بشناسد،

با شیوه‌های

ارتباطی مردم

منطقه‌ای که در

آن‌جا تدریس می‌کند،

آشنا باشد و از جمله‌هایی

استفاده کند که از همان بار عاطفی و

فرهنگی بزرگسالان برخوردار باشند.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ آموزش بزرگسالان، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
۲. پارسا، محمد؛ روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۴.
۳. عباسی‌اول، کریم؛ نگرشی نو بر فرایند یاددهی- یادگیری، تبریز، انتشارات گلزار ادب، ۱۳۸۶.
۴. گنجی، حمزه و دیگران؛ روان‌شناسی سال سوم نظری، رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی، مرکز تهیه و توزیع کتاب‌های درسی، تهران.



میان

تصور فرد از خود

و یادگیری، رابطه‌ای مستقیم

وجود دارد. به طوری که یک

تصور واقعی از خود، بزرگسالان

را به یادگیری، تحمل مشکلات و

قبول مسئولیت آموزشی خویش

تشویق می‌کند